

## تأثیر اندیشه ابن سینا بر غزالی در مسأله نفس

دکتر محمد علی خالدیان\*

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد واحد گرگان

### چکیده

قهرمانی از قهرمانان تفکر و اندیشه و راهبری از راهبران بحث و تحقیق، و سوارکاری از سوارکاران جولانگاه حقیقت، بر تازک نیمه قرن پنجم هجری، فراز مندانه بر سرپا ایستاده که در گنجینه عقل و اندیشه تابناک خود، فرآورده هایی از تفکرات و اندیشه های انسان را تا آن تاریخ فراهم آورده بود، غزالی متکلمی فقیه و دانشمندی که پایه گذار بسیاری از مباحث نوین در اندیشه دینی بوده اند در کل جامع میراث پنج قرن تمدن اسلامی همراه با خرد ورزی و فرهنگ خرد مابانه ایران است همانگونه از استعداد فردوسی و سعدی و مولوی و دیگران صدای تمدن ایران بلند است از استعداد سرشار و دانش بی کران ایشان، صدای انسانیت و مدنیت ایران بلند است. غزالی از پیشگامانی است که در مطالعه روان انسان روش علمی و تجربی را در پیش گرفته است و دو روش را برای مطالعه نفس اعلام می دارد روشی که متکی و مبتنی بر مطالعه و نگرش نفس به عنوان جوهر روحی و مجرد از ماده است و روش دیگری که نگرش بر نفس از دایره و محدوده فلسفه و دستگاه متافیزیک بیرون آمده و در دایره عمل و تجربه قرار می گیرد. غزالی در این موضوع دارای اندیشه جدید و پژوهش مستقل و استقلال اندیشه است غزالی در بسیاری از آراء و اندیشه های خود با فلاسفه یونان و اسلام همگام و همراه است و متأثر از ابن سینا و ارسطو است اما به آراء فلسفی ایشان صبغه اسلامی داده است و در تشخیص امراض و بیماریهای روان انسان از تجارب و سلوک و نبوغ خود بهره مند است.

غزالی در اثبات وجود نفس ۶ برهان را اقامه می کند که عبارتند از:

\*کردستان- قروه کردستان خیابان جمهوری اسلامی (شرقی) سی و دومتری کوچه آذین پلاک ۶ منزل محمود خالدیان

۱- برهان طبیعی

۲- برهان پسیکولوژی عقلی

۳- برهان استمرار

۴- نفس جایگاه معقولات است

۵- برهان انسان معلق

۶- برهان دینی

پدیده های روانی از نظر غزالی «هر گونه تغییر و دگرگونی است که بر نفس عارض میگردد ، نمایانگر جنبش و حیات اوست و آمادگی برای دریافت کمال مضاعف را دارد و شمع معرفت نتیجه این نفس کمال یافته است به عبارت دیگر غزالی، انسان را به عنوان یک واحد دینامیک و پویا می گیرد و در رابطه با این بخش از روانشناسی ، به عنوان یک محقق پسیکولوژی و روانشناسی چهره می کند که با آمیزه دقت و موشکافی به اعمال روان انسانی می نگرد .

و در این باره دست به ابتکار زده است .

واژگان کلیدی:

اثر پذیری، غزالی، ابن سینا، نفس، روانشناسی، کمال مضاعف، برهان، طبیعی، معقولات

## مقدمه:

قهرمانی از قهرمانان تفکر و اندیشه و راهبری از راهبران بحث و تحقیق، و سوارکاری از سوارکاران جولانگاه حقیقت، برتارک نیمه قرن پنجم هجری، فرازمندانه برسر پا ایستاده که در گنجینه عقل و اندیشه تابناک خود، فرآورده هایی از تفکرات و اندیشه های انسان را تا آن تاریخ فراهم آورده بود، پیوسته تا واپسین لحظات حیات خویش در تب عشق و اشتیاق به شناخت و معرفت می سوخت، و هیچگاه لحظه ای رکود و غفلت از مطالعه و تحقیق در سراسر زندگانی او به چشم نمی خورد و هرگز از تسلط جویی بر مشکلات سستی نمی کرد این قهرمان سوارکار و یکه تاز پهنه علم و پژوهش همان حجت الاسلام ابوحامد محمد غزالی مشهور به امام محمد غزالی است، غزالی یک دانشمند اصولی ماهر و فقیهی آزاده و آزاد اندیش و متکلمی والامقام و یک عالم اجتماعی واجد بینش در مورد اوضاع و احوال جهان و فیلسوفی است که در فلسفه پایه پای فلاسفه بزرگ گام بر می داشت، و هر چند که نتوانیم او را برتر از فلاسفه به شمار آوریم، معهذنا نسبت به آنها در فلسفه دچار موازنه و کمبود نبوده است زیرا غزالی علاوه بر این مزایا یک صوفی و عارف است که کتاب احیاء علوم الدین او کتاب خودسازی تمام عارفان و ارباب معرفت و اهل سلوک بوده است و در تمام علوم اسلامی از قبیل فقه و کلام و اصول فقه و فلسفه و اخلاق و علوم ادبی و منطق سرآمد زمان و پیشگام همگان و مقتدای کاروان اندیشه بوده است. تا جایی که در جهان اسلام لقب حجه الاسلام را به ایشان اختصاص داده اند غزالی از پیشگامانی است که در مطالعه روان انسان. روش عملی و تجربی را در پیش گرفت به این دلیل که غزالی دو روش را برای مطالعه نفس مشخص می کند: روشی که متکی بر مطالعه و نگرش نفس به عنوان یک جوهر روحی و مجرد از ماده است و روش دیگری که نگرش بر نفس از دایره و محدوده فلسفه و متافیزیک بیرون آمده و در دایره عمل و تجربه قرار می گیرد غزالی در این مساله دارای نگرش جدید و اندیشه نو است و براساس این اندیشه نو و نگرش جدید موضوع روانشناسی را به دو بخش تقسیم کرده که هر یک از آن دو با دیگر تفاوت دارد با چنین تقسیمی دو نوع علم به ثمر می رسد و به همین دلیل علوم و دانشها از نظر غزالی بر دو نوع است نوع اول-علوم مکاشفه نوع دوم علوم معامله، پدیده های روانی از نظر غزالی عبارت از: «هر گونه تغییر و دگرگونی است که بر نفس عارض می گردد نمایانگر جنبش و حیات اوست اعم از آنکه اینگونه تغییر و دگرگونی دینی یا دنیوی باشد».

غزالی در بسیاری از آراء خویش، با فلاسفه یونان و اسلام همگام و همراه است و ظاهرا اطلاعات و آگاهی های رومی از فلسفه یونان از طریق ابن سینا فراهم آمده بود زیرا فصول کامل از مبحث نفس کتاب النجات ابن سینا عینا نقل می کند. به هر حال تعریف غزالی در نفس همانند تعریف ارسطو و ابن سینا است البته تعریف غزالی دارای توضیح بیشتری است و نمایانگر تجرد و روحانیت نفس می باشد.

غزالی در تعریف نفس می گوید: نفس یک جوهر مجرد و موجود قائم بالذات است غزالی در تعریف نفس پیرو ابن سینا است و همان واژگانی را در بحث از نفس به کار می گیرد که ابن سینا قبل از وی به کار برده است.

غزالی احيانا سخن از نفس نباتی، نفس حیوانی و نفس انسانی به میان می آورد. (۱) گاهی از انواع نفس اماره، لوازمه و مطمئنه گفتگو می کند. غزالی در تعریف نفس نباتی می گوید: این نفس کمال نخستین جسم طبیعی آلی است از آن جهت که تغذیه و تولید مثل می کند (۲) چنین تعریفی عینا همان تعریف ابن سینا در کتاب النجات می باشد (۳) اما نفس حیوانی عبارت از کمال نخستین جسم طبیعی آلی است از آن جهت که آن، جسم، مدرک جزئیات و متحرک به اراده می باشد (۴) زیرا نفس حیوانی آنگاه تکون می یابد که در موجود مزاجی به هم رسد که این مزاج از اعتدال فزون تری نسبت به ثبات برخوردار باشد نفس حیوانی-علاوه بر قوه نباتی- دارای دو قوه و نیروی دیگری است که قوه محرکه و مدرکه نام دارند. لذا حیوان داری درک و نیز تحرک ارادی است و به مصالح خود هدایت می گردد و جویای نفس و گریزان از ضرر می باشد اما نفس انسانی عبارت از کمال نخستین جسم طبیعی آلی است از آن جهت که با اختیار عقل و استنباط رای، دست

اندرکار اعمال می گردد و نیز از آن جهت که امور کلی را نیز درک می کند. این تعریف نیز همانند تعریف ابن سینا درباره نفس انسانی است.

غزالی در اثبات وجود نفس و استدلال بر آن از ابن سینا مستفیض می باشد و براهین استنباط وجود نفس را که در عرصه های وسیع و گسترده روان شناسی عمومی مطرح است. از ابن سینا نقل و بازگو می کند.

### ادله و براهین وجود نفس

۱. **برهان طبیعی:** این برهان بر نظریه حیات محرک ارادی متکی است و همانگونه که غزالی و دیگران می گویند: همه اجسام از لحاظ اینکه دارای ابعاد سه گانه (طول و عرض و عمق) هستند با هم مشترکند لکن از لحاظ مسأله حرکت و سکون متفاوت می باشد. اجسام خود دارای حرکت نیستند و در ذات و حقیقت آنها حرکتی وجود ندارد بلکه این حرکت به خاطر نیرویی است که در وراء جسم وجود دارد و این نیرو عبارت از نفس است (۶).

ما اجسامی را مشاهده می کنیم که دارای حس و حرکت ارادی است و نیز به اجسام بر می خوریم که تغذیه و تولید نسل می کنند و این خصوصیات که در برخی از اجسام (یعنی جانداران) مشاهده می شود معلول جسمیت آنها نیست و بلکه چنین اجسامی دارای مبادی دیگری هستند که از ناحیه آنها این افعال و خصوصیات به هم می رسند. بنابراین آن عاملی که مبداء صدور به هم رسیدن افعال و خصوصیاتی می باشد که این خصوصیات در تمام اجسام بر یک منوال و روال نیست. ما آنرا نفس می نامیم زیرا اگر تحرک این اجسام معلول جسمیت آنها می بود باید هر جسمی متحرک باشد به دلیل اینکه حقایق باید نسبت به تمام موجودات ممنوع آن مشترک باشد اگرچه این حالت معلول امری باشد که وراء جسمیت وجود داشته باشد پس فی الجمله مبدئی برای فعل و اثر ثابت می گردد که باید آنرا عبارت از نفس دانست. (۷) این برهان با همه خصوصیات و عباراتش تقریباً منقول از برهان ابن سینا در کتاب الشفاء و الاشارات می باشد. (۸)

۲. **برهان پسیکولوژی عقلی:** چون ادراک، عامل امتیاز موجودات درک کننده نسبت به سایر موجودات دیگری است که درک نمی کنند ناگزیر باید گروهی از موجودات علاوه بر بعد جسمانی خود دارای قوای دیگری می باشند تا وظیفه ادراک را اداء کنند پس بنابراین حیوان و موجود جاندار به وسیله عاملی غیر از عامل جسمیت خود حرکت می کند ادراک او نیز از رهگذر عاملی به هم می رسد که مغایر با جسمیت او است زیرا جسم (بما هو جسم) عبارت از مزاج و مجموعه آمیزش یافته ای است که این امتزاج میان اضداد مختلف و متعارض مقرر شده است لذا ریشه قوای محرکه و نیرویی که مزاج را نگه می دارد، چیز دیگری غیر از جسمیت جسم است که نمی توانی آنرا نفس بنامی، غزالی در این برهان، هماهنگ با نظریه ابن سینا در کتاب اشارت و الشفاء، و رساله القوی النفسانیه او منعکس است سخن می گوید. (۹)

۳. **برهان استمرار:** خلاصه این برهان چنان است که جسم و یا جسد در معرض دگرگونی و تحول است چون بسیط می باشد و از اجزا ترکیب نشده است تا دگرگونی در آن راه بیابد غزالی این برهان را به این گونه تشریح می کند که نفس از آغاز پیدایش خود تا هم اکنون که عمری را گذرانده است دستخوش هیچگونه تغییر و تحول نگشته است در حالی که بدن و تمام خصوصیات آن تبدیل یافته و دگرگونه شده است اگر این دگرگونی در بدن رخ نمی داد تغذیه بدن ممکن نمی گشت زیرا لازمه تغذیه این است که موادی دیگر جای موادی که تحلیل می یابد جایگزین گردد پس بنابراین نفس تو از جنس بدن و صفات نیست ابن سینا قبل از غزالی در موارد متعددی این برهان را یاد کرده است از آنجمله می نویسد:

ای عاقل در خویشتن بنگر که تو هم اکنون همان نیستی که در سراسر عمر خویش موجود بوده ای، حتی بسیاری از حالات و خصوصیات خود را به خاطر داری در اینکه تو ثابت هستی و در توئی تغییری پدید نیامده است تردیدی نداری در حالی که بدن تو و اجزای آن ثابت و پایدار نیست (۱۰)

**۴. نفس جایگاه معقولات است:** نظر به اینکه معقولات اجسام نسبتند و چون محل و جایگاه آن جسم نیست بلکه جایگاه معقولات عبارت از امری است که به جسم اضافه شده است به همین جهت غزالی می گوید: در وجود آدمی همه حقایقی را که در نبات و حیوان مشاهده می کنیم ولی در مورد انسان ملاحظه می کنیم که او می تواند اشیاء و حقایقی را که بیرون از حس است درک کند که نبات و حیوان فاقد چنین امتیازی هستند مثلا انسان درک می کند که «کل بزرگتر از جزء است» لذا انسان جزئیات را با حواس پنجگانه و کلیات را با مشاعر عقلی خود درک می کند که نمی توان ادراک کلی را انکار کرد و نمی توان موجودی را که مدرک کلی است انکار نمود. هیچ موجود جاننداری غیر از انسان نمی تواند یک امر کلی را درک کند پس با توجه به این حقیقت می توان گفت که نفس وجود خارجی دارد و نیز جوهر است و عرض نمی باشد (۱۱) ابن سینا پیش از غزالی متذکر همین برهان شده است. (۱۲).

**۵- برهان رجس طائر:** یا برهان انسان معلق، غزالی این برهان را همان گونه که ابن سینا بیان کرده بود از او اقتباس نموده است<sup>۱۳</sup> و اشاره دارد که این برهان، عقلی است و در خور فهم هوشمندان و کسانی است که از لطافت درک و اصابت رای برخوردارند، خلاصه برهان به این صورت است: «که اگر انسان در تفکر و سیر اندیشه خود از هر چیز محسوس، مجرد و رهیده باشد نمی تواند خویشتن را از اندیشه موجودیت خود برهاند» غزالی این برهان را بدینگونه تشریح می کند: «اگر تو سالم و تندرست باشی، و همه آفات و بیماری ها از تو سترده باشد و در تیررس هیچگونه صدمات و عوارض و آفات قرار نداشته باشی، و اعضاء و اندام تو با هیچ عضو دیگری از بدن تو در تماس نباشد و در هوای آزاد قرار گیری در چنین حالتی از موجودیت و حقیقت خویشتن غافل نخواهی بود و موجودیت خود را احساس خواهی کرد حتی در حالت خواب نیز موجودیت خود را احساس می کنی. البته غزالی در کتاب معارج القدس به صورت مسبوط و مشروح توضیح داده اند و به آن صبغه دینی بخشیده است و در نتیجه به تجرد نفس براساس ادله عقلی و نقلی دست یافته است، ۱۴.

**۶. برهان دینی:** این برهان متکی و مبتنی به متون دینی است «براساس اینکه خطابها و تکالیف دینی متوجه حقیقتی است که دارای وجود و هستی است و هر گز به امری که معدوم و فاقد هستی است تعلق نمی گیرد، خطابهای دینی نمایانگر این مطلب است که نفس عبارت از جوهر مجرد از جسم و ماده می باشد زیرا درد و شکنجه - اگر چه بر بدن وارد می شود ولی احساس آن به خاطر وجود نفس در بدن است، نظیر این استدلال را نزد افلاطون و ابن سینا می یابیم<sup>۱۵</sup>، اگر چه غزالی را این امتیاز هست که آن را گسترده و مسبوط و با صبغه دینی بیان کرده است.

## فهرست منابع و ماخذ

- ١- معارج القدس ص ٢٩
- ٢- معارج القدس ص ١٩
- ٣- النجات ابن سينا ص ٢٥٨
- ٤- معارج القدس ص ١٩
- ٥- مقاصد الفلاسفه
- ٦- النجات ص ٢٥٨
- ٧- تيسير شيخ الارض : غزالي ص ٥٣
- ٨- معارج القدس ص ١٣٥
- ٩- الاشارات، نمط سوم از نهج دهم . الشفاء فن ششم طبيعيات
- ١٠- الاشارات ، نمط سوم از نهج دهم، الشفاء فن ششم طبيعيات، رساله فى القوى النفسيات : ابن سينا تحقيق دكتور الفندى ص ٢١-٢٠
- ١١- رساله فى القوى النفسانيه ص ٩-٧
- ١٢- معارج القدس ص ١٣
- معرفت النفس الناطقه: ابن سينا ص ٩
- ١٣- معارج القدس، ص ٢٢
- ١٤- معارج القدس، ص ٢٢
- ١٥- معارج القدس، ص ٢٨ و ٢٩